

متن پرسش

سلام استاد عزیز: به بهانه این بحثی که حول جام جهانی شکل گرفت، سوالی داشتم که از خدمتتان بپرسم. استحضار دارید که «رادیکال» یعنی ریشه. و پرسش رادیکال برخلاف تصور عوام نه پرسش متحجرانه و تندروانه بلکه پرسش بنیادی و ریشه ایست. البته معمولا پرسش رادیکال اگر توسط سیاست درک شود، خطرش از بمب ترکاندن توسط تکفیری ها بیشتر حس می شود. و اهل سیاست معمولا تاب این پرسش ها را ندارند. با این مقدمه می تونم بپرسم نسبت پرسش رادیکال، مصلحت مخاطب و خطرهای بعد از آن را توضیح بفرمایید؟ با یک مثال توضیح می دهم. به نظر شما اگر معیار پرسش های رادیکال را سقراط بگیریم، نسبت یک مصلح اجتماعی با عملکرد سقراط چگونه است؟ این سوال را ما بارها در جمع دوستانه مان پرسیده ایم که امام (ره) چقدر سقراطی عمل کرد؟ از طرفی پرسش ها و انتقاداتی را که زیرکانه به اسلام قبل از خود مطرح کرده است از وی شخصیتی ساخته است که به قول اهل معنا رند است و قلندر. و از طرفی همانند نواب صفوی به استقبال گلوله نرفت. البته خود امام نیز معیار عمل ما نیست. ولی به عنوان یک شخصیت تاریخی و تاریخ ساز، برای درک رویکردشان به تخریب باورهای اشتباه، سخت ملول و حیرت زده ام. همه این ها را پرسیدم تا بپرسم، استاد طاهرزاده ما، چگونه تشخیص می دهد که امروز می شود فوتبال را با این ادبیات ویرانگر مورد پرسش قرار داد، ولی مثلا فلان ساختار سیاسی را فعلا دست نزنیم بهتر است. چگونه می توان تشخیص داد که تخریب فلان انسان عامی که در قامت نظریه پردازی حزب الله ظاهر می شود، به صلاح نیست، ولی لحن تند و انتقادی در پاسخ به یک استاد فلسفه کاری است به صلاح؟ راستی یک سوال فرعی: اگر فوتبال جزو مقوله هایی است که وقت پرسش های رادیکال از آن فرا رسیده است، نظرتان درباره قدرت این پدیده چیست؟ این را برای این می پرسم که خود شما به عنوان یک متخصص زمین شناسی، می دانید که انرژی هسته ای بلاشک ویرانگرترین و مضرترین انرژی تاریخ بشریت است. اما چون قدرت است (اعم از سیاسی و فرهنگی و ...) ایران چهار نعل به آن پرداخت. و امروز اگر فوتبال قدرت است، اگر غم و اندوه یک ملت را تخدیر می کند، اگر بار حکومت را سبک می کند آیا به صلاح نظام جمهوری اسلامی نیست که به این پدیده هر روز بیشتر از دیروز توجه کند و در آن سرمایه گذاری به عمل آورد؟ تفاوت فوتبال و انرژی هسته ای چیست؟ یکی توهم پیشرفته بودن را به ملتی می دهد که واژه پژوهش در آن نزد نخبگان علمی، واژه ای مضحک است چه برسد به دیگران و دومی کاری می کند که یک ملت در اوج فشارهای زندگی، به خیابان ها بریزند، پرچم مقدس! جمهوری اسلامی را روسری و مانتو بکنند و در آخر تا ماه ها به جای غر زدن به حکومت، نقل هر

محفلی بشود پیروزی والبیال و فوتبال و اخیانا کشتی و ... گرچه لحنم آمیخته به طنز است ولی قصد کنایه و استهزا ندارم بلکه مصرانه خواهان فهم بیشتر هستم. با تشکر از استاد خوبم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ضمن تشکر از طرح چنین موضوعِ اندیشه‌سوز و اندیشه‌ساز؛ عنایت داشته باشید نظام اسلامی با تعریفی که از خود بر اساس شریعت الهی دارد، آرمان‌هایی برای جامعه و افراد جامعه می‌شناسد که نمی‌تواند نسبت به آن آرمان‌ها بی‌تفاوت باشد وگرنه معنای خود را از دست داده است. حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و شهداء و مسئولان اصلی نظام ماوراء نگاه‌های منفعت‌طلبانه و مصلحت‌گرایانه‌ی دنیایی، بر اساس اعتقادات الهی خود، پای انقلاب ایستاده‌اند و نیز ماوراء نگاه انتزاعی فلسفه که سقراط بر آن پای‌بند است و با مفاهیم و ماهیات تعامل فکری دارد، پدیده‌ها را در طیف وجودشان می‌نگرند و در این راستا جایگاه هر حادثه‌ای را مدّ نظر قرار می‌دهند و لذاست که حضرت امام در عین نگاه رادیکال و نگرش ریشه‌ای به موضوعات، به موضوعات تاریخی می‌نگرند و می‌فهمند نسبت حادثه‌ها با اهدافی که باید دنبال شود در کجای تاریخ قرار دارد و لذا از یک جهت به شاه نصیحت می‌کنند و از جهت دیگر سخت مقابل کاپیتولاسیون می‌ایستند زیرا موضوع کاپیتولاسیون موضوعی است کاملاً روشن که عزّت مسلمین را نشانه رفته ولی با نصیحت به شاه زمینه‌ای فراهم می‌شود تا شاه موضع خود را نسبت به آن تذکرات مشخص کند و مردم نیز جایگاه شاه را بهتر بفهمند. ما در هر شرایطی باید در مقابل هر پدیده‌ای نسبت خود را با آرمان‌های الهی که معنای ما در متن آن‌ها شکوفا می‌شود، روشن کنیم. از این جهت بین پدیده‌ی فوتبال را و افرادی که علاقه به فوتبال دارند تفکیک می‌کنیم و فوتبال را نقد می‌کنیم تا هر کس نسبت خود را با آن مشخص کند؛ ولی نمی‌دانم چرا موضوع فوتبال و انرژی هسته‌ای را در قالب «قدرت» معنی می‌کنید؟ در حالی که ما در شرایطی هستیم که هرگز نمی‌توانیم نسبت به انرژی هسته‌ای چه در حال و به خصوص در آینده چشم پوشی کنیم و ماوراء نیاز به این انرژی زندگی خود را شکل دهیم در حالی که اگر سعی کنیم ملت خود را از اموری که توهم ملت را می‌افزاید آزاد نماییم و لااقل شیفتگی آن را به آن امور دامن نزنیم، یک قدم ملت را به سوی آرمان‌هایی که نظام اسلامی برای مردم مد نظر دارد نزدیک کرده‌ایم. عنایت داشته‌باشید حوزه‌ی حضور و فعالیت شیطان، مرتبه‌ی خیال ماست و دشمنان ما نیز سعی دارند از عواملی که خیال را جواب می‌دهد ما را به خود نزدیک کنند و به همین جهت دوستان ملت باید سعی کنند بر عواملی تأکید کنند که عقل و قلب ملت را متعالی می‌کند. موفق باشید